

## عنوان مقاله:

فرهنگ و نظریه کیسه ها، گول ها، جنداها، گربه ها: دنیایی دیوانه در هنر گرافیک فرانسیسکو دی گویا (۱۷۴۶-۱۸۲۸)

## محل انتشار:

نخستین کنفرانس ملی گرافیک و رویکردهای تعاملی میان رشته ای (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

## نویسندگان:

پریسا رشیدی - کارشناسی ارشد گرافیک، مربی هنر، دانشگاه فنی و حرفه ای استان مرکزی، اراک، ایران

مینا احمدی - کارشناسی ارشد تصویرسازی، مربی هنر، دانشگاه فنی و حرفه ای استان مرکزی، اراک، ایران

## خلاصه مقاله:

در حالی که باور عمومی مبنی بر اینکه فرانسیسکو دی گویا (۱۸۲۸-۱۷۴۶) پس از بیماری خود در سال ۱۷۹۳ به طور ناگهانی به سوزهای تاریک و غیرمنطقی روی آورد، احتمالاً اشتباه است، آنچه که درست است این است که او پس از بیماری خود را بیشتر وقف رسانه های سیاه و سفید کرد. مانند رامبراند (۱۶۰۶-۱۶۶۹)، که گویا به طور خاص او را تحسین می کرد، نقاش اسپانیایی یکی از بزرگترین طراحان گرافیک در تاریخ هنر است. همچنین بخشی از اصالت گویا است که در دورانی که حکاکی ها اغلب به عنوان کپی کننده صرف و نه طراح خلاق در نظر گرفته می شدند و طراحی به عنوان یک فرم هنری کامل دیده نمی شد، او تعداد زیادی حکاکی اصلی و بسیاری از طراحی های تمامشده با گچ، جوهر ششستون (نقاشی با قلم)، از دهه ۱۷۹۰ تا دوران پیری، تولید کرد و آنها را با دقت در آلبوم ها حفظ کرد. بیماری روانی به موضوعی تکراری در تعدادی از این نقاشی ها تبدیل شد، زیرا این هنرمند اسپانیایی تصاویر متعددی از افرادی که از یک اختلال روانی رنج می برند را نشان می دهد و مفهوم غیرمنطقی را در هنر گرافیک خود پیش زمینه می کند. این مقاله این موضوعات را در رابطه با قطعات گویا مورد بحث قرار می دهد و بر عناصر زندگی نامه و ایده های معاصر او از دوره روشنگری به عنوان تأثیراتی برای این جنبه از کار او تمرکز می کند.

## کلمات کلیدی:

فرهنگ، هنرگرافیک، نظریه، فرانسیسکو دی گویا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1874163>

